

نظریه عدالت اجتماعی در دوران معاصر جهان اسلام به یکی از چالش‌های فکری اساسی تبدیل شده است. انباشتی از آموزه‌های اسلامی در طول تاریخ تمدن اسلامی از یک سو و تحدی نظریه‌های غربی در باب عدالت از سوی دیگر، متفکران مسلمان بسیاری را از سید قطب گرفته تا شهید صدر و شهید مطهری و رهبران انقلاب اسلامی درگیر این مسئله کرده است. چالش عدالت اجتماعی در جهان اسلام از یک طرف با نیاز دولت‌ملت‌های مدرن به نظریه‌ای در باب سازماندهی جامعه مرتبط است و از طرف دیگر، با دعوت قرآن و سنت به عدالت‌ورزی و عدالت‌گستری. باین حال، این دو منشأ نیاز، اقتضائات متفاوت و بعضاً متباینی را در عرصه عدالت اجتماعی طلب می‌کنند که لزوماً و به راحتی جمع‌پذیر نیستند.

با وقوع جنبش روشنفکری در قرن هجدهم اروپا و کنار گذاشتن ارتباط عمودی جهان ماده با عالم معنا، متفکران اروپایی با تکیه بر عقل خودبنیاد به دنبال یافتن مبنا و معیاری برای قضاوت درباره کنش‌ها و سیاست‌های انسانی بودند، بی‌آنکه دغدغه التزام به شریعت یا آموزه‌های وحیانی را داشته باشند. در این مسیر، نظریه‌ها و دیدگاه‌های متعدد و متشتت و واگرایی به وجود آمده است. حتی لیبرال‌ها که در ابتدا مورد مؤاخذه عدالت‌خواهان سوسیالیست و مارکسیست بودند، با انتشار کتاب رالز، علم عدالت را با تقریری لیبرالیستی به دست گرفتند. در جهان اسلام، متفکران از یک سو به دنبال احیای هویت اسلامی در دوران معاصرند و از سوی دیگر، تحت تأثیر اندیشه‌های سکولار وارداتی قرار دارند. همین رفت و برگشت میان عناصر هویتی اسلامی و نظریات متعدد و متکثر سکولار غربی باعث شده است دسته‌بندی‌های متفاوتی در میان عدالت‌پژوهان مسلمان شکل بگیرد و هر کدام به یک طرف سوگیری پیدا کنند یا اینکه برای غلبه بر این سوگیری، مسیری میانه را دنبال کنند.

کتاب «بازاندیشی عدالت اجتماعی»، نوشته حجت‌الاسلام والمسلمین احمد واعظی، را گامی در این مسیر میانه می‌توان دانست. نویسنده این کتاب با تسلط نسبتاً جامع بر نظریه‌های غربی درباره عدالت کوشیده است در مناقشات مفهومی و ارزشی در باب عدالت، موضعی مستند به اسلام اتخاذ کند که از این جهت، کتاب درخور ستایشی است. نویسنده با تسلط بر مطالعات و نظریه‌های عدالت اجتماعی، تبیین‌های نسبتاً گویایی از دیدگاه‌های مختلف ارائه داده است و به جای رویکرد دانشنامه‌ای که فقط به بیان نظریه‌های متعدد می‌پردازد، کوشیده است آن قسمت از نظریه‌های عدالت اجتماعی را که در چهارچوب فکری خود بدان نیاز دارد، چه برای تأیید و چه برای نقادی، از دل آن‌ها بیرون بکشد و واکاوی کند. باین حال، تکثر نظریه‌های عدالت اجتماعی سکولار باعث شده است که بخش عمده‌ای از کتاب به گزارش روایت‌های مختلف از عدالت بگذرد، بدون آنکه